

## سری قائی

سید بدیع الزمان متخلص به «سری» در سال ۱۲۷۹ خورشیدی نابینا از مادر در قاین به دنیا آمد و در بهار سال ۱۳۳۵ خورشیدی بسن ۵۶ سالگی در تهران بدرود زندگانی گفت و در گورستان ظهیر الدوله نزدیک امامزاده قاسم شمیران بخاک رفت.

چنانکه مرحوم شیخ الملک اورنگ ضمن یک نامه ادبی تحت عنوان «نابینای روشندل» در شماره نهم سال ششم (آذر ماه ۱۳۳۲) در مجله یغما نوشته است: سری قائی از سادات جلیل القدر قائن است که به سیزده واسطه و پشت بسید محمد نور بخش قائی مدفون در سولقان ری می‌رسد که از اکابر بزرگان عرفاء و مستغنی از وصف و تعریف است. در بیرجند به کسب کمال اشتغال جسته، شاعری است شیرین زبان، ضمیرش با زبان براستی یکی است، از گفتارش ستر هویدای دانش هویدا و اندیشه‌اش از بیانش نمایان و پیدا است. سری پرشور، دلی پر از محبت و وفا و صداقت و صفا دارد. بی اندازه حق شناس و در دوستی و رفاقت ثابت و پایر جاست. از مردم دورو و ناسپاس و بی وفا واقعاً منزجر و متنفر است. در شعر طبیعتش به رباعی و دو بیتی و گاهی قطعه و کمی مثنوی مایل و از سخنوران معاصر به مرحوم ملک الشعراء بهار و جلال الممالک ایرج عقیده‌ای بسزا دارد. مرحوم اورنگ در ایام نوروز سال ۱۳۳۲ به بیرجند مسافرت کرده است و در آنجا مرحوم سری قائی را ملاقات و نتیجه دیدار و مشهودات خود را بدان سان که اشاره شد نگاشت سری قطعه زیر را برای نقش سنگ مزار خود سروده است:

ادبایی که جهان پیرایند	یا جهان را پس از این آرایند
منکه خاک است کنون ماوایم	سرتیم، سرتی، نابینایم
سیدم، سید، عالی نسیم	عاشقم، عاشق فضل و ادبم
نوربخشی که بود، ذهن به ری	سیزده پشت مرا هست به وی
بسوجود آمدم از مادر کور	کور و کر رفتم و خفتم در گور
شاعری شد بجهان پیشه من	نیست جز شعر، در اندیشه من...

چون بخاکم، قدمی بگذرد  
تا ابد راحت و آسوده بخواب<sup>(۱)</sup>

خواهم از او که زمن یاد آرد  
گوید ای خفته در این تیره بر آب

---

۱- علی اکبر مشیر سلیمی، سخنوران نابینا، علمی، ۱۳۴۴، ص ۴۲۰-۴۲۱.